

خواندن، گونه‌های از شعر عربی

۴۰ - نقل: مستی ... با پیشانی، آلتها و خرد و لغت ...

# شاعران فارسی سرا

۴۳ - طفل: تاریکی ...

۴۵ - نما گویا ...

۴۶ - لیشی ... : کاش بیوسته زائر و یادگار گشته او بودم ...

## در

۴۷ - باب عالی: لقب دربار عثمانی در طابطنیه (استانبول) / قرن الذهب: نام یکی از

## بوسنی و هرزگوین

اسعد محمد چانچار

(بوسنی)

ادیبان و شاعران بوسنی، نوشتن به زبان فارسی را در قرن ۱۵ شروع کردند. از مدتها پیش بوسنیایی‌ها به زبان فارسی علاقه داشتند. آموزش زبان فارسی ماده الزامی در بسیاری از مدارس بوسنی و هرزگوین بوده، بویژه مردم نجیب، با آموزش زبان فارسی و آثار ادبی و شعرهای دارای الهام در این زبان، خود را راضی و آرام می‌کردند. در میان مردم ما شماره زیادی از شاعران و ادیبان ظهور کردند. بعضی از آنها به زبان فارسی شعر می‌سرودند و بعضی آثار نثر را تقلید می‌کردند و بعضی فارسی کلاسیک را می‌آموختند و آثار فارسی کلاسیک را شرح می‌کردند؛ بخصوص درویشان طریقت مولوی، که شرح مثنوی را در میان بوسنیایی‌ها پخش می‌کردند. پیش از این بوسنیایی‌ها متخصصان بیشتری در زبان فارسی داشتند. بعضی هاشعرو و نثرزبیا را به این زبان می‌نوشتند. ولی حالا زبان فارسی در بوسنی و هرزگوین فقط جزء تاریخ شده است.

افراد زیر در میان شاعران بوسنی ذکر شده‌اند:

فوت: سال ۱۴۷۴ م / ۸۷۹ هـ

محمود پاشا عدنی

فوت: سال ۱۶۰۳ م / ۱۰۱۲ هـ

درویش پاشا موستارانی

- احمد طالب (۵) شیخ فوزی فوت: سال ۱۶۷۴ م / ۱۰۸۵ هـ
  - توکلی دده اهل ساریو در قرن ۱۵ زندگی می کرد
  - احمد سبوحی او در ساریو شرکت کرده بود و هم در قرن ۱۵ زندگی می کرد
  - احمد یسری فوت: سال ۱۶۹۴ م / ۱۱۰۵ هـ
  - احمد رشدی فوت: سال ۱۷۰۰ م / ۱۱۱۱ هـ
  - علی زکی کیمیاگر فوت: سال ۱۷۱۱ م / ۱۱۲۳ هـ
  - مصطفی لدونی فوت: سال ۱۷۲۰ م / ۱۱۳۳ هـ
  - حاج مصطفی مخلصی فوت: در نیمه دوم قرن ۱۶
  - شیخ فوزی بلاغائی فوت: سال ۱۷۴۷ م / ۱۱۶۰ هـ
  - محمدشاکر معیدویج مفتی ساریو فوت: سال ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۵ هـ
- این لیست شاعرانی است که به زبان فارسی می نوشتند و هم آنها به زبان ترکی هم می نوشتند.



بعضی دیگران را ذکر خواهیم کرد:

### (۱) سودی افندی:

گفته اند که اسمش (سودی)، از اسم روستای «سودچی» که در اطراف ساریو است گرفته شده است. این شاعر ما فارسی را بیش از استاد و مفتی مشهور آنجا مصلح الدین لاری آموخته است. (متوفی سال ۱۵۶۹ م / ۹۷۷ هـ). سودی افندی در دربار ابراهیم پاشا بود و برای جوانانی که برای خدمات بالای دولت انتخاب می شدند سخنرانی می کرد.

چلبی و عطائی نوشته اند که سودی افندی در سال ۱۵۹۲ م / ۱۰۰۰ هـ فوت کرده، ولی محمد طاهر و مورخین دیگر نوشته اند که در سال ۱۵۹۶ م / ۱۰۰۵ هـ فوت کرده است. محمد طاهر اضافه می کند که سودی افندی در مزارستان مسجد یوسف پاشا در استانبول دفن شده است.

سودی افندی یکی از بهترین دانشمندان زبان فارسی بود. شرح های او از آثار ادیبان فارسی کلاسیک ارزش بی شمار دارد. کسانی که خواسته اند بهترین آثار کلاسیک را معرفی کنند از آثار او استفاده کرده اند.

== شرح گلستان سعدی

== شرح بوستان سعدی

== شرح مثنوی رومی

== و شرح دیوان حافظ

از مهمترین آثار او هستند. از این آثار دو تای اول و چهارمی در استانبول چاپ شده‌اند. در تمام صفحات کتاب شرح گلستان، نظرات لایمی و سروری و ابن سید علی و شمعی و کافی و دیگران را رد کرده است.

بدین سبب «معلم ناجی»، سودی افندی را «فاضل عنود» نامیده است. از آثار نوشتاری او، آثار زیر را می‌شناسیم:

۱- ترجمه و شرح «کافی» ابن حاجب، درباره ترکیب جمله عربی (نوشته به زبان ترکی)

۲- ترجمه و شرح «شافی» ابن حاجب، درباره دستور زبان عربی (نوشته به زبان ترکی)

۳- ترجمه «الدعوة» تاج الدین اصفرانی درباره ترکیب جمله عربی (به زبان ترکی)

۴- حاشیه و توضیح به شرح اثر فلسفی قدیمی «هدایة الحکمة»

\*\*\*

### (۲) علی زکی افندی معروف به کیمیاگر

او - که نامش در میان شاعران ترک زبان هم ذکر شده -، یک فرهنگ فارسی به ترکی به نام «تحفه شاهدیه» نوشته است. او زبان عربی را هم می‌دانست. مثل او هیچکس نمی‌توانست معما و تاریخ پیدایش پدیده‌ها را کشف کند. در سال ۱۷۱۱ م / ۱۱۲۳ هـ بعد از یک عمر طولانی فوت کرد. شخصی، معروف به «شیخ یویو» بر کتاب «تحفه شاهدیه» شرح نوشته است.

\*\*\*

### (۳) و (۴) محمد طاهر و مصطفی بشنیاک

در میان دانشمندان زبان فارسی محمد طاهر و مصطفی بشنیاک بر مثنوی جلال الدین رومی شرح نوشته‌اند. دکتر باشاگیچ، «مصطفی بشنیاک» را همان شاعر سیاهی دانسته است که در سال ۱۶۵۱ م / ۱۰۶۲ هـ فوت کرده است.

### (۵) شیخ فوزی بلاگائی

در «موسستار» زندگی می‌کرد و تمام زندگیش را به سخنرانی دربارهٔ مثنوی مولوی گذراند. او در درگیری با نیالوکا شرکت کرده بود و دو تاریخ را برای پیروزی در آن درگیری‌ها ذکر کرده است. او در سال ۱۷۴۷ م / ۱۱۶۰ هـ فوت کرده است.

شیخ فوزی در شاعری، به زبان ترکی و فارسی معروف است. کتاب «بلبلستان» او که به زبان فارسی نوشته شده این نکته را یادآوری می‌کند. در این کتاب شیخ فوزی برای تقلید از «گلستان» سعدی و «بهارستان» جامی کوشش زیادی کرده است. تألیف این کتاب در سال ۱۷۳۹ م / ۱۱۵۲ هـ به پایان رسیده و به «حکیم زاده علی پاشا» تقدیم شده است.

مؤلف، بلبلستان را به ۶ «خُلد» تقسیم کرده و هر خلد را به درختهای گوناگون و برگهای رنگارنگ آرایش داده است:

= در خلد اول، الهام شیوخ بزرگ را نشان داده

= در خلد دوم دربارهٔ توبه و فائده آن نوشته

= در خلد سوم حکایات زندگی پادشاهان و درویشان را نوشت

= در خلد چهارم مجموعه‌ای از کنایه‌ها را آورده است

= در خلد پنجم زندگی چند تن از ناعران رومی را شرح می‌دهد که به زبان فارسی

می‌نوشته‌اند

= در خلد ششم به چند حکایت بذل‌گویانه وارد شده که هنوز اهمیت زیادی دارند.

شرح بلبلستان را مفتی جیکیج اهل بلاگای نوشته است.

\*\*\*

از میان دانشمندان زبان فارسی قرن ۲۰ افراد زیر را انتخاب کردیم:

### - دکتر شاکر سیکیریچ

که مدرک دکترای خود را در بوداپست مجارستان گرفته است. از سال ۱۹۳۷ م تا ۱۹۴۵ م در مدرسهٔ عالیّهٔ فقه اسلامی سخنرانی می‌کرد. از سال ۱۹۵۰ آموزش زبان فارسی به دانشکدهٔ فلسفه منتقل شده است. در سال ۱۹۴۷ م رژیم کمونیست‌ها دکتر سیکیریچ را زندانی کردند برای آن که «پند نامه» فریدالدین عطار را در خانهٔ «فیض الله حاج بایریچ» شرح می‌کرد.

در سال ۱۹۶۶ م از تهران دیدن کرد و پس از بازگشت در تاریخ ۲۳ / ۹ / ۱۹۶۶ م فوت

کرد و در «اگلاواک» در میان بزرگان طریقت مولوی دفن شد.

### - فیض الله حاج بایریچ

شیخ خانقاه «سینان باشا» در سارایوو در سال ۱۹۵۴ مدرک استادی زبان عربی و فارسی را در دانشکده فلسفه بدست آورد (مدرک لیسانس). او دو جلد از مثنوی و ۳۰ بیت از دیوان حافظ و جزئی از گلستان سعدی را ترجمه کرده است. در خانه او بود که در سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۷ دکتر سیکیریچ پند نامه عطار را برای عده‌ای از نجیب زادگان شرح می‌کرد.

### - جمال چهایچ

مدرک دکترای زبان فارسی و ادبیات را در لندن گرفت. استاد ادبیات فارسی در دانشکده فلسفه سارایوو بود. در زمان رژیم کمونیسم بطور رسمی به تهران رفت. سال ۱۹۹۱ م از اثر بیماری سرطان فوت کرده است. ■



### کلمه قاجاق یعنی چه؟

قاجاق کلمه‌ای ترکی است که از فعل «قاجماق» به معنی «فرار کردن» آمده است. صیغه امر آن «قاج» به معنی «بدو» می‌باشد. کلمه «قوچ» به معنی «شجاع» نیز از همین ریشه است. در زمان قاجاریه، افرادی بودند که در منطقه قفقاز و آذربایجان، با فئودالهای ایرانی و روسی به شیوه پارتیزانی می‌جنگیدند. این گروه مورد حمایت مردم و دشمنان حکومتها بودند. مسکن و مأوای معینی نداشتند بلکه به شکل فراری، زندگی و جنگ می‌کردند. و چون همیشه در حال فرار بودند به «قاجاق» یا «قوچاق» معروف بودند. قهرمان معروف این گروه «قاجاق نبی» (یعنی: نبی فراری) بود که علیه ثروتمندان و به نفع مستمندان مبارزه می‌کرد. امروزه ترانه‌های حماسی قاجاق نبی در آذربایجان ایران و شوروی از معروفیت خاصی برخوردار می‌باشد. قاجاق نبی پس از بازگشت از کربلا، در ارومیه توسط نظامیان قاجار دستگیر و اعدام شد.

علی بیگدلی - «قاجاق در مسیر تاریخ»

یادگارنامه دکتر عبدالهادی حائری - چاپ دانشگاه مشهد - ۱۳۷۱ - ص ۲۵۱.